



The Scientific Journal in Jurisprudence and Bases of Islamic law The 13 rd.  
Year/NO: 4 / Autumn 2021

تاریخ دریافت: ۹۸/۰۷/۱۳

تاریخ پذیرش: ۹۹/۱۱/۰۶

مبانی مسئولیت مدنی تولیدکنندگان کالا در فقه و نظام حقوقی ایران

سیدرضا هاشمی<sup>۱</sup> ستار زر کلام<sup>۲</sup>

چکیده:

با رشد فزاینده تولید کالا در جهان، تجار و طرفین قرارداد، با تمسک به مبانی مسئولیت مدنی سعی در عدم تحمیل جبران زیان به خود را دارند و نظریات علمای حقوق نیز بجهت تنوع موضوعات، متفاوت بوده و در مواجهه با فناوری های نوین تجاری، رویکرد هایی مبتنی بر جواز و اباحه اختیار نموده اند. از چالش های تجاری امروز نیز مبانی مسئولیت مدنی تولیدکنندگان و جبران خسارات وارده ناشی از آن است. ضوابط مختلف تحمیل مسئولیت مدنی تولیدکنندگان، رویکرد فقهی مسئولیت مدنی تولیدکننده، همانند عیب کالا و نهی احتکار، قواعد غرور و تدلیس، در فقه شیعه، نحوه ی مواجهه قانون و الزامات تولیدکنندگان در صورت بروز خطر و جبران آن و تأثیر شرط ضمن العقد تحدید یا عدم مسئولیت مدنی در قراردادهای تولیدکنندگان از موضوعات اساسی مقاله حاضر است. اثبات زیان توسط متضرر، به دلایل مختلف، همانند فقدان اطلاعات تخصصی تولید در مصرف کننده قطعاً کارایی لازم را نداشته و تنها مسئولیت محض، امکان جبران قطعی خسارت وارده را دارد و واجد منطق اقتصادی است، زیرا تولیدکنندگان نسبت به طرف زیان دیده، قدرتمند تر و دارای ثروت بیشتری می باشند و کنترل و اطلاعات قوی تری درباره ی فعالیت تجاری خویش و نهایتاً خطر موجود و زیان وارده دارند. این مقاله نشان می دهد جز در موارد نادر، امکان بهره مندی از مبنایی واحد همچون مسئولیت محض، در تحمیل مسئولیت مدنی بر تولیدکنندگان وجود دارد.

واژگان کلیدی: تولیدکنندگان کالا، خسارت، مسئولیت محض، تقصیر.

۱- دانشجوی دکتری حقوق خصوصی، دانشگاه آزاد اسلامی تهران شمال، تهران، ایران. (نویسنده مسؤول). rezahashemilawyer93@gmail.com

۲- دکترای حقوق خصوصی، استادیار، عضو هیات علمی دانشگاه شاهد، تهران، ایران. sattarzaralam@gmail.com

## مقدمه

تعیین مبنایی مناسب برای مسئولیت مدنی در عرصه تولید، ضرورتی اجتناب ناپذیر است؛ تا بتوان از آن برای حفظ حقوق شهروندان و مصرف‌کنندگان و جبران خسارت وارده به آنان بهره جست. سابق بر این، مبنای رسیدگی به ادعای ضرر و زیان و خسارت وارده به مصرف‌کنندگان، تعهدات قراردادی بود، اما با گذشت زمان، ناتوانی سازوکارهای قراردادی در تعیین تکلیف عادلانه موضوع روشن گردید. همین امر موجب استفاده و استناد به مبانی غیر قراردادی شد. یکی از مهمترین عوامل ایجاد مسئولیت مدنی عیب در کالای تولیدی است. بنابراین وجود عیب می‌تواند مبنایی بر تحمیل خسارت وارده باشد زمانی که کالای تحویل شده به مصرف‌کننده، با شرایط قرارداد یا استانداردهای اجباری منطبق نباشد و یا معیوب باشد، با توجه اصل حقوقی منع دارا شدن بلاجهت، تولیدکننده این حق را نخواهد داشت که در برابر کالایی معیوب و فاقد سلامت، وجهی اخذ کند. تولیدکننده در تولید محصول، ملزم به رعایت اصول علمی و فنی و استانداردهای تولید آن کالا است. از طرف دیگر تولیدکنندگان نیز برای رفع نیاز شخصی خویش باید کالاها و خدماتی را مصرف کنند که آن کالا را تولیدکنندگان دیگری ساخته‌اند و به جامعه تحویل داده‌اند و در اینجا مصرف‌کننده تلقی می‌شوند (صادقی، ۱۳۸۶، ص ۶۱). این تحلیل محدود به نظریه ای خاص نیست. به تعبیر دیگر، این مقاله با رویکرد پژوهش محور سعی دارد به این پرسش، پاسخ دهد که آیا می‌توان مبنای واحدی برای مسئولیت تولیدکنندگان در جهت جبران زیان وارده به مصرف‌کننده یافت؟ و آیا تولیدکنندگان مختلف، دارای مبنای مسئولیت مشترکی هستند یا این مسئولیت از مبانی مختلف نشأت می‌گیرد؟

**بررسی مبانی مسئولیت مدنی در تولید کالای معیوب:** عدم رعایت ضوابط تولید کالا، می‌تواند باعث بروز خطر ناشی از کالا شده و تولیدکننده را ملزم به جبران خسارت نماید. در نظام حقوقی ایران در جهت حمایت از حقوق مصرف‌کنندگان، قوانینی تصویب شده است. قانون حمایت از حقوق مصرف‌کنندگان در سال ۱۳۸۸ به تصویب مجلس شورای اسلامی رسید که در آن عرضه کنندگان اعم از تولیدکننده و یا ارائه‌کننده خدمت، مسئول صحت و سلامت کالا دانسته شد. باید گفت که در بسیاری از موارد جبران خسارت ناشی از نقص کالا فقط با تعویض کالا و استحقاق مصرف‌کننده به استرداد آن قابل تحقق می‌باشد. منتهی از آنجا که، این جابجایی دایر به تسلیم یک کالا به عوض کالای جایگزین، به نوعی تبدیل تعهد محسوب می‌شود. برای انجام آن، رضایت تولیدکننده لازم است، زیرا برای انجام یک عمل حقوقی درست، باید شرایط اساسی صحت معاملات وجود داشته باشد. بنابراین الزام به تعویض کالا بدون تصریح قانونی، اجبار تولیدکننده به توافقی جداگانه است که نسبت به آن رضایتی ندارد. این امر با آزادی اراده و لزوم وجود قصد و رضا (بند ۱ ماده ۱۹۰ قانون مدنی) در تعارض است. می‌توان مسئولیت قراردادی را نخستین مبنای مسئولیت تولیدکننده کالا دانست. مطابق مقررات قانون مدنی ایران، چنانچه کالای ناقص به خریدار تسلیم شود، وی می‌تواند به استناد خیار عیب، معامله را فسخ کند و ثمن پرداختی را در برابر استرداد مبیع باز پس بگیرد یا این‌که به اخذ ارش رضایت دهد. این گونه برخورد با مسئولیت، محدود به رابطه خریدار و فروشنده بوده و تعمیم آن به تولیدکننده و جبران ضرر ناشی از نقص کالای تولیدی ممکن نیست. از طرفی نظریه تقصیر و ضرورت اثبات تقصیر تولیدکننده و یا ارائه‌کننده کالا، کار را برای مصرف‌کننده دشوار می‌کند. کلمه مصرف‌کننده نیز باید بنحو عام تعریف شود، مصرف‌کنندگان، اشخاص حقیقی یا حقوقی حقوق خصوصی هستند که برای کاربرد غیر حرفه‌ای، اموال یا خدماتی را برای خود تهیه کرده یا آنها

را مورد استفاده قرار می دهند (قاسمی، ۱۳۷۷، ص ۲۳). مطابق تعریفی دیگر، مصرف‌کنندگان، اشخاص حقیقی یا حقوقی هستند که برای رفع نیازمندی‌های خود بدون کسب سود تجاری، مابه ازای آن را در مقابل مقدار کالا یا خدمات جزئی که رافع حوائج باشند می‌پردازند (جنیدی، ۱۳۸۱، ص ۴۷). در ماده ۲ قانون حمایت از مصرف‌کنندگان، کلیه عرضه کنندگان کالا و خدمات، منفرداً یا مشترکاً مسئول صحت و سلامت کالا و خدمات عرضه شده، مطابق با ضوابط مندرج در قوانین و یا مندرجات قرارداد مربوطه یا عرف در معاملات هستند. اگر موضوع معامله کلی باشد در صورت وجود عیب یا عدم انطباق کالا با شرایط تعیین شده، مشتری حق دارد صرفاً عوض سالم را مطالبه کند و فروشنده باید آن را تأمین کند. اگر موضوع معامله جزئی (عین معین) باشد، مشتری می‌تواند معامله را فسخ کند یا تفاوت ارزش کالای معیوب و سالم را مطالبه کند و فروشنده موظف است آن را پرداخت کند. در صورت فسخ معامله از سوی مشتری، پرداخت خسارت از سوی عرضه کننده منتفی است. در این ماده کلیه عرضه کنندگان کالا و خدمات که شامل تولید کنندگان نیز می‌شوند، منفرداً و مشترکاً مسئول صحت و سلامت کالا و خدمات عرضه شده تلقی شوند عدم تحویل کالای سالم، موجب خسارت مصرف کننده و ایجاد مسئولیت برای تولید کننده و یا عرضه کننده کالا است. ظاهر ماده دلالت به تعهد به تحویل کالای سالم دارد، اما دقت در سایر قسمت‌های ماده، تعهد عرضه کننده را به تحویل کالای سالم نشان می‌دهد و برای جبران خسارت ناشی از نقص موجود در کالا، این اجازه را به مصرف کننده داده است، یا قرارداد را فسخ نماید و یا به ارزش راضی شود و یا الزام تولید کننده یا عرضه کننده را به تحویل کالای صحیح و سالم درخواست کند. این تعهد ناشی از شرط ضمنی میان طرفین قرارداد است که، طبق آن باید کالا بی عیب باشد به عبارت دیگر تعهد عرضه کننده نسبت به ایمن بودن و سلامت کالا، تعهد به نتیجه است و تنها قوه قاهره می‌تواند او را از این مسئولیت مبرا کند (کاتوزیان، ۱۳۸۷، ص ۲۴۰). ماده ۲ قانون مزبور به عموماً مندرج در قانون مدنی در خیار عیب توجه داشته است، اگر براساس این قانون در مطالبه کالای سالم و مسئولیت کلیه عرضه کنندگان کالا را به تولیدکنندگان تعمیم دهیم این حکم، مسئولیت محض را تداعی می‌کند اما در ادامه ماده، با توجه به ارجاع به قوانین و قرارداد و عرف، باید پذیرفت که قانونگذار، مسئولیت عرضه کنندگان کالا و خدمات را بر مسئولیت قراردادی و نظریه تقصیر استوار نموده است، زیرا اگر کالایی بر خلاف سلامت مورد توافق طرفین، تحویل شود، صرف ارائه کالای ناقص، دلالت بر ارتکاب تقصیر توسط ارائه‌کننده دارد. در سیر تحولات مقررات و در راستای حمایت از مصرف کننده و رهایی از نظریه تقصیر، تضمین تولید کننده یا فروشنده نسبت به کالا و خدمت ارائه شده مورد توجه قرار گرفت، که این امر نیز به لحاظ نقض عهد در ایمنی، یا شرایط قراردادی قابل تفسیر است. اما تضمین سلامت کالا در مورد آخرین مصرف کننده، که رابطه قراردادی با تولید کننده ندارد، بر مبنای مسئولیت قراردادی غیر قابل توجیه است. باید پذیرفت که مبنا قرار دادن نظریه تقصیر در عصر صنعتی حاضر با توسعه صنعت و لزوم حمایت از مصرف‌کنندگان، همخوانی ندارد و شرط ضمانت به تأمین سلامت، باید تعهد به نتیجه تلقی شود.

**مبنای مسئولیت مدنی تولیدکننده براساس فقه:** عمده مسئولیت برای تولیدکننده را در فقه منبعث از رعایت عدالت و مساوات در معاملات می‌دانند؛ در اسلام تلاش شده، سود جویان در تأمین نیازهای مردم در راستای معاملات آنان سود جویی نکنند و از همین باب تشریحاتی در باب تحریم ربا و نهی احتکار آورده شده است. خداوند می‌فرماید ((ای کسانی که ایمان آوردید اموال یکدیگر را به ناروا مخورید مگر آنکه معامله و داد و ستدی بر اساس تراضی بین شما

انجام گرفته باشد)) (النساء/ ۲۹). و بدیهی است که خوردن مال دیگری ناشی از تولید کالای غیرایمن و نامناسب مصداق خوردن مال یکدیگر بدون تراضی است. از سوئی نیز در اسلام حمایت از طرف ضعیف در معامله، بر قوی اولویت دارد و هدف، برگرداندن تعادل بین تولیدکننده و مصرف کننده خواهد بود.

مبنایی دیگر برای مسئولیت مدنی تولیدکننده بهره مندی از قاعده غرور است. روایت نبوی مشهور بین شیعه و سنی، (المغرور یرجع الی من غره) است. برای اثبات قاعده غرور فقها به احادیثی که با عنوان تدلیس در ابواب مختلف فقهی وارد شده است، استناد می کنند. در سیره عقلا و دانشمندان نیز رجوع فرد فریب خورده، به فریب دهنده و طلب خسارت او موضوعی پذیرفته شده است. اگر شخصی با فریب، شخص دیگر را به ضرر بیندازد، مضمول این قاعده (غرور) است، حتی اگر جاهل به ضرر باشد یا حتی اعتقاد به سودمند بودن آن داشته باشد. (بجنوردی، ۱۴۱۹ق، صص ۲۷۹-۲۷۸) بنابراین اگر تولیدکننده عالم به غرور مصرف کننده باشد، قاعده غرور، می تواند مبنای تحمیل مسئولیت مدنی بر وی باشد. در همین مورد که غار (تولیدکننده) جاهل است و حتی تصور منفعت دارد، باید دید آیا مغرور (مصرف کننده) بعد از علم به فریب می تواند به غار رجوع و طلب خسارت کند یا خیر؟ با توجه به مدرک این قاعده، وضع فرق می کند. آیا مدرک قاعده ((المغرور یرجع الی من غره)) را روایت نبوی می دانیم؟ یا بنای عقلا، اجماع، یا قاعده اتلاف، قاعده لاضرر به حساب می آوریم؟ به اساس قاعده غرور چنانچه مبنای قاعده را اجماع بدانیم، باید به قدر متیقن، خسارت را اخذ نمود. در اینجا قدر متیقن همان علم غار به فریب مغرور است. اگر مبنا، قاعده اتلاف یا قاعده لاضرر باشد، در اینجا فرقی بین غار عالم و جاهل نیست و در هر صورت غار ضامن است. عمده استدلال ما بنای عقلا و امضا بنای عقلا توسط روایات است. چراکه روشن است، ((المغرور یرجع الی من غره)) نیز یک قاعده برگرفته از روایات و بنای عقلا و اجماع است. بنابراین شامل غاری می شود که عالم باشد. (بجنوردی، ۱۴۰۱، ص ۱۵۵) در این موضوع چنانچه بخواهیم وحدت ملاک بگیریم، مبنای جبران خسارت زیان دیده، اتلاف و قاعده لاضرر نیز می باشد. شاید بتوان گفت که مبنای تحمیل خسارت و مسئولیت مدنی، تسبیب است که تولیدکننده با تولید کالای غیر ایمن یا ناقص موجب ضرر مصرف کننده شده است.

باید دانست که قاعده غرور با قاعده تسبیب در بسیاری از موارد، از جمله مسئله مسئولیت مدنی تولیدکننده باهم قابل جمع اند. اما بین این دو قاعده اختلاف اصلی و اساسی وجود دارد؛ زیرا حاکمیت قاعده تسبیب، در جایی است که بین سبب و مباشر، اراده و اختیاری در خسارت نباشد، لذا اگر بین مسبب و عمل، یک اراده فعالی وجود داشته باشد، یقیناً از موارد تسبیب نخواهد بود. بلکه از موارد و مصادیق قاعده غرور خواهد بود. مثلاً: شخصی که دیگری را گول می زند، شخص گول خورده به هر حال با اراده و قصد و اختیار خود آن کار را انجام می دهد، در این صورت جای قاعده تسبیب نیست، چرا که در قاعده تسبیب، فعل باید مستند به مسبب بوده و فاعل مختاری بین مسبب و عمل فاصله نشده باشد. (طاهری، ۱۴۱۸ق، ص ۲۵۸). از دیدگاه فقها تدلیس علاوه بر آنکه حرمت تکلیفی دارد موجب حق فسخ و به اصطلاح خیار تدلیس برای تدلیس شونده است. در بعضی از منابع فقهی حق وصول خسارت هم پیش بینی شده است. (شهید ثانی، ۱۴۱۸ق، ص ۱۷۹ و میرزای قمی، ۱۳۷۱، ص ۲۰۳).

مبنای دیگر مورد قبول فقها در مسئولیت مدنی ناشی از عیب در کالا، اعم از کالای تولیدی و یا خدمت ارائه شده است. یعنی مبنای مسئولیت عیب موجود در کالای تولیدی است. تعریف عیب در فقه، ریشه در اخبار دارد و در این خصوص گفته اند که هر فزونی و کاستی از اصل خلقت، عیب است (الجبعی العاملی، شهید ثانی، بی تا، ص ۲۸۹) ضمن اینکه باید بین مفهوم عیب در شرایطی که قراردادی وجود دارد با جایی که عیب در خارج از قرارداد مطرح می شود تفاوت قائل شد زیرا در مسئولیت مدنی، زمانی کالا معیوب محسوب است که بواسطه عیب موجود، خسارتی حادث شود ولی در نظام قراردادی، زمانی یک کالا معیوب است که آن کالا با مشخصات مورد توافق طرفین در قرارداد، مطابقت تام نداشته باشد. در روایتی تحت عنوان ابن ابی لیلی در کافی از حسین بن محمد سیاری نقل گردیده: که در فروش کنیزی که بر شرمگاهش مویی نبوده اختلاف در تفسیر عیب گردید، که نهایتاً بر اساس اظهار محمد بن مسلم، که گفت نصی در آن نمی داند اما ابوجعفر (ع) از پدرش و از پدرانیش و از نبی (ص) اخبار کرد که: هر آنچه زاید بر اصل خلقت یا کمتر از آن باشد عیب است. و ابن ابی لیلی در قضاوت این اظهار را مبنا قرار داد و بر عیب قضاوت نمود. (کلینی، ۱۳۸۱، ص ۲۱۵ و حر عاملی، ۱۴۰۹، ص ۱۹۷). مرحوم سید مصطفی خمینی در باب تعریف عیب و تشخیص آن نظر قاطعی دارند که دخالت فقها در تعریف عیب و تشخیص را محصور به عرف و منطق معاملات و تجارت می داند. (خمینی، ۱۳۷۵، ص ۲۷۷).

حقوقدانان عیب کالا و ایجاد مسئولیت مدنی را در درون معامله می شناسند و این دو روش کاملاً با هم متفاوت است بنابراین مفهوم عیب در بیع و تولید و مصرف نسبی است و در هر معامله با معامله دیگری متفاوت است. تعریف دیگری از عیب وجود دارد. شیخ انصاری در تعریف عیب آورده است: عیب نقص از صحت متوسط است که بالاتر از این مرتبه، کمال است (انصاری، ۱۴۱۶، ص ۲۶۶) بنابراین، عدم مرغوبیت، دلیل بر معیوب بودن نیست و مطالبه جبران ضرر و تحمیل مسئولیت مدنی غیر صحیح است. چراکه هر یک از کالاها با مشخصات و صفات و ویژگی ها، ارزش و قیمت خاص خود را دارد که با اخذ آن توسط مصرف کننده اساساً وی کیفیت ضعیف آن را پذیرفته است. در تولید، صفت کمالیه و عدم آن عیب محسوب نیست. در بسیاری از موارد سبب نقص یا افزایش مالی کالای تولید شده وجود یا عدم یک صفت کمالیه در آن است، که عدم آن عیب محسوب نیست.

در صدر اسلام که خرید و فروش برده رونق داشت، داشتن سواد خواندن و نوشتن برای یک برده نوعی صفت کمالیه محسوب بود و عدم وجود این صفت علی رغم اینکه ارزش مالی او را پایین می آورد، ولی عیب محسوب نبود. به همین جهت است که در فقه عیب را خروج از مجرای طبیعی می دانند. (فالعیب هو الخروج عن المجرا الطبيعي اما لزیاده او نقصان موجب لنقص المالیه). (علامه حلی، بی تا، ص ۸۰). اما اگر عیبی که موجب غش در معامله گردد، فقها در میان غش در تولید کالا دو حکم ذکر نموده اند یکی حکم تکلیفی و دیگری حکم وضعی، در مورد حکم تکلیفی فقها بین غش آشکار و غش در تولید بنحو مخفی قائل به تفکیک شده اند. در غش آشکار، یعنی امتزاج دو کالا در تولید به نحوی که نتوان تشخیص داد مثل اینکه گندم با خاک مخلوط شود که قائل به مکروه بودن آن شده اند و اگر غش مخفی باشد و طوری نباشد که مصرف کننده (مشتري) بتواند تشخیص دهد فقها به حرمت آن نظر داده اند (شهید اول، ۱۴۱۰، ص ۳۸۸) در مورد حکم وضعی، غش و مخفی بودن امتزاج مزبور علاوه بر حرمت، بعضی در معامله به بطلان و فساد معامله نظر داده اند، شهید ثانی معتقد است که چنین کالایی در مورد معامله موجب بطلان نیست و بر این نظر به اصل

صحت و اصل لزوم قراردادهای استناد جسته‌اند و حتی بعضی فقها همانند محقق کرکی نظر شهید اول را با این بیان ذکر نمودند که: «المحرم هو الغش و انا البیع فانه عین منتفع بها فصحیح» (محقق کرکی، ۱۴۰۸، ص ۲۵) این فقها که به صحت چنین معامله‌ای نظر داده‌اند و خیار را در موضوع ثابت دانسته‌اند و خیارهای تدلیس، عیب و غبن را برایش متصور دانسته‌اند، که ارزش هم قابلیت وصول دارد. این امر می‌تواند به تحمیل مسئولیت مدنی به چنین تولیدکننده‌ای بار شود (سبزواری، ۱۳۸۳، ص ۱۰۸).

در مقابل، کسانی که به بطلان و فساد معامله با کالای مغشوش نظر داده‌اند، همانند مقدس اردبیلی و حر عاملی و شیخ صدوق به قصد واقعی طرفین استناد جسته‌اند که العقود تابعه القصد. (صدوق، ۱۳۹۰، ص ۱۸۳ و حر عاملی، ۱۴۰۹، ص ۲۸۰) بنابراین شارع، با وضع ضوابط دقیقی بر داد و ستد و سفارش‌های الزام آور و اخلاقی و حقوقی در باب ضمان و غیره و تحریم ربا، نهی از احتکار، غبن، تعزیر، تدلیس و ضمان ساختن سازندگان، پیشه‌وران (اجیر مشترک) نسبت به کالایی که برای تعمیر و اصلاح یا ساختن چیز خاصی از آن، به آنها داده شده است سعی نموده که از حقوق مصرف‌کننده و به بیان دیگر تحمیل مسئولیت مدنی بر تولیدکننده دفاع نماید. همانگونه که از احادیث نیز برمی‌آید در زمان حیات پیامبر (ص) نظارت به بازار وجود داشته و در ادوار بعدی این نظارت ادامه داشته است. (باقر زاده، ۱۳۸۱، صص ۷۰-۶۶) نمونه دیگر در کلام فقها، نظر حضرت امام خمینی (ره) در باب احتکار است که نرخ گذاری برای محتکر بدون دلیل جایز ندانسته، اما اگر محتکر، در فروش، قیمت را بیش از حد بالا ببرد، به پایین آوردن آن ملزم می‌شود، در غیر اینصورت، امام او را وادار می‌کند که با توجه به قیمت متعارف موجود یا به قیمتی که امام مصلحت می‌بیند کالایش را بفروشد. (الموسوی الخمینی، ۱۴۳۴ ه.ق، ص ۴۱۶، ۴۱۷). ضمن اینکه مبتنی بر شرع در هر چیزی که برای آن قیدی نباشد و برای آن ضابطه صریحی نباشد، باید برای تعیین آن به عرف رجوع کرد و نتیجتاً اینکه هر چیزی که عرفاً و عادتاً ضرر شمرده شود، ضمان به آن تعلق می‌گیرد (حسینی مراغی، ۱۴۱۷ ه. ق، ص ۳۲۴) و تعیین خیار عیب و تدلیس و غبن و وظایفی که فقها در کتاب‌های مربوط به حاسبه، برای محتسب بر شمرده‌اند، نمونه‌های بارزی از تمرکز و همّت شارع به سالم بودن کالاها و خدمات بدون نقص است.

دسترسی مصرف‌کننده به کالای ایمن نیز معطوف به جامعه صنعتی امروز نیست بلکه ریشه‌های آن را می‌توان در مباحثی همچون ضمان عدوان و جبران زیان‌هایی که از چنین کالاهایی برمی‌آید، ملاحظه نمود. حق مصرف‌کننده به داشتن اطلاعات صحیح از کالای تولیدی نیز در شرع مقدس قابلیت توجه دارد، همانند آیات ۳۵ سوره اسراء که علت نابودی قوم شعیب (مردم مدین) را خیانت در پیمانانه و ترازو و کاستن از حقوق مردم معرفی می‌کند (ویل للمطففین). در این موضوع نیز باید توجه کرد که عدم بیان تولیدکننده به وجود نقص آشکار و پنهان کالای تولیدی برای وی از نظر فقها موجب مسئولیت است. نظرات فقها در این باب را به سه گروه می‌توان تقسیم نمود: عده‌ای از فقها معتقدند که عدم تصریح به عیوب موجب غش (فریب و نیرنگ) در معامله است. (شیخ طوسی، ۱۴۰۷، علامه حلی، بی‌تا، راوندی، ۱۴۰۵ق) عده‌ای دیگر معتقدند، عدم اعلام عیوب و نقائص حیل و فریب نیست. (طباطبایی یزدی، ۱۳۷۸، محقق حلی، ۱۳۸۹، طباطبایی، ۱۴۰۴) و عده‌ای دیگر نیز بر این باورند که عدم اعلام از عیوب آشکار، تدلیس تلقی شده و عدم اعلام عیوب پنهان موجب حق فسخ است. (انصاری، ۱۴۱۶ ه.ق، ص ۳۴۹). با بررسی اقوال، بهترین کلام که فصل الخطابی در این خصوص باشد از مرحوم سید مصطفی خمینی آمده که این امر (تشخیص عیب) فقط به محیط

تجارت و معاملات و تشخیص عرف در آن مورد واگذار شده است. (خمینی، ۱۳۷۵، ص ۲۵۲) بنابراین در پی یافتن مبنای فقهی حقوقی متقن تولیدکننده، که توجیه کننده ضمان باشد می‌توان به معیوب بودن کالای تولیدی حسب معیارهای فقهی و حقیقی و وجود استناد عرفی میان عیب کالای تولید شده و ضرر و زیان و سود مقتضی عصر سلامت و قاعده غنم و لاضرر از مهمترین مبانی فقهی و حقوقی است که مبتنی بر آن ضمان تولیدکننده را در پی دارد، استناد نمود.

اصاله السلامه اقتضای تولیدی کالای سالم را دارد اطلاق عقد مقتضی سالم بودن کالا است؛ «اطلاق العقد یقتضی وقوعه مبنیاً علی سلامه العین من العیب وإنما ترک اشتراطه صریحاً اعتماداً علی أصاله السلامه» (انصاری، ۱۴۱۵ ه.ق، ص ۳۶۰). عرفاً مشتری ثمن خود را بر مبنای اعتماد به اصل سلامت مبیع می‌پردازد؛ بنابراین، مانند آن است که سلامت مبیع در خود عقد شرط شده باشد (علامه حلی، ۱۴۱۴ ه.ق، ص ۱۶۹). برخلاف شرط صحت، در اصل سلامت (اصاله السلامه)، امروزه نباید وصف صحت را محدود به سلامت فیزیکی کالا دانست، بلکه باید سلامت را به معنای ایمنی فرآورده نیز دانست. قاعده غنم نیز موجب تحمیل مسئولیت مدنی به تولیدکننده است. رسول اکرم (ص) در حدیثی فرموده‌اند: «الرهن من صاحبه الذی رهنه؛ له غنمه و علیه غرمه». غنم در این روایت به معنای منافع متصل به مال مرهونه و غرم به معنای ضمان ناشی از تلف مال مرهونه است (طوسی، ۱۴۰۷ ه.ق، ص ۴۰۲). در قاعده غنم (من له الغنم فعلیه الغرم) فقها تلازم میان سود و زیان را پذیرفته‌اند. فقها مبنای خیار عیب را قاعده لاضرر نیز دانسته‌اند. آنان مبحث عیب را ذیل خیار عیب بررسی نموده و تنها به ارش و فسخ (یعنی خسارت ناشی از بیع) پرداخته‌اند و زیان‌های ناشی از کالای تولیدی را بررسی نکرده‌اند. باید گفت تا زمانی که دلیل قاطعی بر عدم جبران خسارت نباشد، به حکم لاضرر، تولیدکننده باید زیان‌های ناشی از تولید کالا را جبران کند. مسئولیت بدون تقصیر در فقه، نه تنها مفهوم ناآشنایی نیست، بلکه در موارد متعددی فقها و قوانین موضوعه به مسئولیت بدون تقصیر تصریح داشته‌اند، مسئولیت غاصب و شخص در حکم غاصب (مواد ۳۱۰، ۳۱۵ و بند اخیر ماده ۶۳۱ ق.م.)، مسئولیت صنعتگر (بحرانی، ۱۴۰۵ ه.ق، ص ۲۹۶)، (علامه حلی، ۱۴۱۰ ه.ق، ص ۲۱۸)، مسئولیت مستعیر در عاریه مضمونه (ماده ۶۴۴ ق.م.)، مسئولیت بیطار و طیب در صورت عدم اخذ برائت، مسئولیت مالک منزل در آسیب ناشی از حیوان، مبتنی بر تقصیر نیست. بنظر می‌رسد که تلاش فقهایی که تنها معیار و ملاک مسئولیت تولیدکننده را به تنهایی خلقت طبیعی و یا نقص مالی و یا قضاوت عرف تلقی نموده‌اند کافی نبوده، چراکه حقوقدانان مبنای مسئولیت مدنی را علاوه بر خلقت طبیعی، در درون کالا جستجو می‌کنند و این دو معرفت یکسان نیست. مثلاً در معامله ی اتومبیل ویژه ی مسابقه، نرسیدن سرعت به بیش از ۲۵۰ کیلومتر عیب است، در حالیکه در فروش اتومبیل سواری به آن اعتنا نمی‌شود.

**مبانی مسئولیت مدنی تولیدکننده در نظام حقوقی ایران:** قانون‌گذار ایران بیش از آنکه در صدد تعیین مبنای مشترکی در تحمیل مسئولیت مدنی بر تولیدکنندگان باشد با اتخاذ رویکرد مصداقی سعی در اتخاذ مبنایی متناسب هر کالا، بر مسئولیت مدنی تولیدکننده داشته است تا به اقتضای خصوصیات و ویژگیهای هر کالا مبنایی متناسب قابل اتخاذ باشد. برهان این نکته نیز در تصویب قوانین مختلف از جمله قوانین معطوف به تولید کالاهای پزشکی، دارویی، خوراکی، بهداشتی، درمانی، خودرویی و کالاهای خطرناک در کنار قوانین عام مسئولیت مدنی و مقررات محیط زیست و قانون تجارت و مدنی قابل مشاهده است. اما باید توجه داشت که از بین همین قوانین خاص مصوب در مورد کالاهای معین،

می‌توان رویکرد و نظر مقنن را در خصوص گرایش به مبنایی خاص قابل تحمیل بر مسئولیت مدنی تولیدکننده کشف نمود. بعنوان نمونه در حمایت از مصرف‌کنندگان خودرو، هر نوع توافق مستقیم یا غیر مستقیم بین عرضه کننده، واسطه فروش با مصرف کننده که به موجب آن تمام یا بخشی از تعهداتی که عرضه کننده بر طبق این قانون و یا ضمانتنامه صادره بر عهده دارد را ساقط نماید، یا آنچه که به عهده واسطه فروش یا دیگری گذارده شده، در برابر مصرف کننده باطل و بلا اثر تلقی گردیده است. بنابراین تعهد عرضه کننده به ارائه کالای منطبق با استاندارد، تعهدی به نتیجه است. چرا که در استفاده از کالا و خدمات، گاهی افرادی که از استفاده کالای تولید شده متضرر می گردند، کسانی هستند که هیچگونه قراردادی با تولیدکننده ندارند، بنابراین بهره گیری از مبنای قراردادی عمدتاً به نفع تولیدکنندگان و به ضرر مصرف‌کنندگان زیان دیده می‌باشد، چرا که خسارت دیده امکان اثبات تقصیر تولیدکننده را ندارد. ولی نظریه مسئولیت محض، این مشکل را حل کرده است. همین تعهد به نتیجه است که به زیان دیده که سلامت کالا جزء شروط بنایی اوست حق می دهد که در صورت وجود عیب و نقص در کالا، به تولید کننده مراجعه و خواستار اصلاح آن شود. شاید بتوان درج شرط گارانتی در بعضی کالاهای تولیدی همانند کالاهای خطرناک و یا خودرو را در ضمن عقد اصلی، بر اساس همین تعهد به نتیجه و قائل بودن مسئولیت محض برای تولید کننده تفسیر نمود.

مطابق مقررات، التزام قانونی تولیدکننده به جبران خسارت ناشی از نقص کالا و خدمت و تعویض و تبدیل کالای معیوب و یا جبران خسارت ناشی از نقص یک کالا به زیان دیده، همگی از تعهد تولیدکننده دائر بر لزوم صحت و سلامت کالای تولیدی و یا خدمت ارائه شده نشات می‌گیرد. این حکم قابل تعمیم به تمام کالاهای تولیدی است. زیرا تعهد به نتیجه از باب تأمین سلامت و ایمنی کالای تولیدی مورد توافق طرفین است. بر این اساس می‌توان گفت تولیدکننده، در کالاهای دارای ضمانت در طول مدت ضمانت مکلف به رفع هر نوع نقص یا عیب (ناشی از طراحی، مونتاژ، تولید یا حمل) است که در کالا وجود داشته و یا در نتیجه استفاده معمول از آن، بروز نموده و یا مغایر با مفاد ضمانتنامه و مشخصات اعلامی به مصرف کننده بوده یا مانع استفاده مطلوب از کالای تولید شده باشد یا حتی از باب تسبیب موجب کاهش ارزش معاملاتی کالا شود.

روح حاکم بر قوانین مصوب در باب حمایت از مصرف کننده اقتضاء دارد که کالا و خدمات باید سالم به مصرف کننده تحویل شود. قانون حمایت از مصرف کننده می‌تواند مبنایی برای تعمیم این قانون به تمام مصادیق کالاهای تولیدی باشد، چرا که قانون حمایت از مصرف کننده، قانونی عام است و اصل را نیز بر سلامت و غیر معیوب بودن کالاها قرارداده و از آنجا که اصل بر آن است که هیچ ضرری نباید جبران نشده باقی بماند و در قوانین دیگر نیز جنبه حمایتی از مصرف کننده مشهود است، لذا بهره گیری از مسئولیت محض در تولید کالا باید رویکرد قانونگذار ایران تلقی شود، زیرا هر کس کالایی را بر خلاف مقررات قانونی یا مندرجات قرارداد یا حکم عرف، تولید یا عرضه کند، فی نفسه از حدود متعارف تولید خارج شده و این عمل که به ضرر مصرف کننده و یا دریافت کننده خدمات صورت گرفته است. تجاوز از قانون، قرارداد یا عرف است و برای مرتکب مسئولیت زا است، بنابراین مسئولیت محض برای تولیدکنندگان و ارائه کنندگان خدمات در حقوق ایران می‌تواند بعنوان مبنای مورد نظر مقنن تلقی شود.



**مسئولیت حرفه ای تولیدکننده در حقوق ایران:** ورود ضرر ناشی از کالای تولیدی، نشانگر عدم رعایت مسئولیت حرفه ای در تولید کالا است؛ شاید این عدم رعایت مسئولیت حرفه ای را بتوان تقصیر تلقی نمود و مسئولیت تولید کننده کالای مزبور را بر نظریه تقصیر استوار ساخت چرا که معیار تقصیر شغلی و حرفه ای، رفتار متعارف یک شخص متخصص در آن حرفه و شغل است. (فضه سلیمی، ۱۳۹۱، ص ۶) طبق ماده یک قانون مسئولیت مدنی، اشخاص در صورت تقصیر مسئولیت دارند، اما اثبات تقصیر تولید کننده از سوی زیان دیده به دو دلیل با عدالت و انصاف سازگار نیست. اول اینکه خریدار یک کالای تولید شده، تخصص و دانشی در رابطه با تولید و یا استفاده از آن کالا را ندارد تا بتواند تقصیر تولید کننده را اثبات کند و نادیده انگاشتن دانش و تخصص و مهارت در تولید یک کالا، خود تقصیر است. تصویب قوانین و رعایت استانداردهای اجباری در ساخت کالاهای خاص همانند وسائل نقلیه و یا وسایل شهر بازی و یا لوازم خانگی و یا تولید وسایل صنعتی، همگی بر این دلالت دارند که اراده قانونگذار بر تحمیل مسئولیت به تولیدکننده و الزام وی به رعایت استانداردهای علمی و تخصصی و حرفه ای در تولید کالا و ارائه یک خدمت سالم است.

الزام تولیدکنندگان به رعایت استاندارد های فنی و همچنین قوانین الزام آور، ناظر به رعایت اصول فنی و ایمنی در محیط زیست و فعالیت کارخانه ها و بقاء در صحنه رقابت و تداوم حیات تجاری سازمانها و تولیدکنندگان منوط به رعایت این اصول است و حتی در این مسیر باید از بازار نیز جلوتر حرکت کرده و نیازهای جدیدی برای مشتریان تعریف نمود. (جعفری تبار، ۱۳۷۵، ص ۹۰). و همگی این الزامات دارای نتایج عملی در تحمیل مسئولیت مدنی است و حاکی از این است که قانونگذار بیشتر به مسئولیت محض تمایل و گرایش دارد. در طول قرنهای بیشتر روابط حقوقی اشخاص با یکدیگر، مطابق خواسته و اراده آنان بوده و با قرارداد انجام می شده است، اما تحولات شتابنده اجتماعی، روابط جدید و ناخواسته ای میان افراد برقرار کرده است روابطی که منشاء مسؤولیتهای غیر قراردادی می شود. (صفایی، رحیمی، ۱۳۹۳، ص ۱۵۸) سیاست حقوقی ایجاب می کند، قانونگذار برای حمایت از زیان دیده و جبران خسارت وارده به او مداخله کند و مقررات خاصی در این زمینه وضع کند، بویژه آنکه تعداد این نوع قربانیان نیز زیاد بوده و هر ساله شاهد افزایش تعداد آنها هستیم و به دلیل ناممکن بودن یا دشوار بودن اثبات رابطه سببیت و وجود تقصیر، زیان آنها بدون جبران باقی می ماند. (کاتوزیان، ۱۳۸۰، ص ۳۸۶-۴۰۰). از دیدگاه حقوقی اعطای حق استرداد و تعویض کالای ناقص در قوانین مدنی و قوانین خاص همچون قانون حمایت از مصرف کنندگان خودرو و همچنین وجود الزاماتی همچون گارانتی اجباری و همچنین قوانین عام تجارت در باب مسئولیت متصدی حمل و نقل و دلال و اختیار قانونی حاصله از ماده ۱۳۲۴ قانون مدنی در استفاده از امارات، بهره گیری از مبنای مسئولیت محض در این باب را تسهیل و دلیلی بر گرایش قانونگذار به مسئولیت محض است. اما آنچه که پرواضح است اینکه بر خلاف مسئولیت حرفه ای، هر شخصی اعم از تولیدکننده یا مصرف کننده در قراردادها در صدد تحدید مسئولیت مدنی و گاهی در برخی موارد اسقاط مسئولیت مدنی خویش، ناشی از کالای تولیدی و یا مصرف آن است. همین امر موجب گردیده که با درج شرط در قرارداد با تحدید مسئولیت مدنی یا اسقاط آن سعی در فرار از مسئولیت نمایند. لذا در صدد آنیم که تحلیل نماییم، اساساً وجود چنین شرطی آیا با مبانی مسئولیت مدنی در تضاد است یا خیر؟ طبق قانون، اصل بر آزادی متعاملین در تعیین مفاد و ماهیت و شروط قرارداد راجع به جبران ضرر نامشروع است. تقابل فایده ها و زیان های اقتصادی و اجتماعی شرط تحدید مسئولیت و یا عدم آن را در نظام های حقوقی دچار تردید کرده است. شرط عدم و یا تحدید

مسئولیت برای تولیدکننده، فوایدی را در رونق تولید و کارآمدی اقتصادی و حذف هزینه های بیمه را در بر دارد. اما چنین شرطی با مبانی مسئولیت مدنی که تحمیل زیان به وارد کننده ی خسارت و جبران ضرر را قطعی می داند در تعارض است. عدالت اقتضا می کند که در صورت نقض تعهدات قراردادی یا قانونی، عامل زیان، مسئول جبران خسارت زیان دیده باشد. شرط مزبور در تحدید مسئولیت و یا عدم آن با هدف مسئولیت مدنی که جبران زیان است، در تعارض قرار می گیرد. و توافقات عامل زیان (تولیدکننده) و زیان دیده (مصرف کننده)، نباید موجب از بین بردن مبنا و هدف مسئولیت مدنی باشد.

بعضی از حقوق دانان چنین شروطی را مخالف مبانی مسئولیت مدنی نمی دانند و حتی برای توجیه اعتبار آن به دلایلی مانند اصل آزادی قراردادی، کارایی اقتصادی، تقسیم خطرات، تشویق ابتکارات و کاهش هزینه ها و متعاقب آن افزایش تولید و بازدهی مضاعف استناد می کنند. و بعضی دیگر شرط فوق را مخالف قطعی مبانی مسئولیت مدنی تلقی می کنند و در این راستا چنین شرطی را به جهت تحمیلی بودن و عدم انطباق با عدالت و انصاف و نا برابری قدرت اقتصادی در طرفین قرارداد (تولیدکننده و مصرف کننده) مخالف نظم اجتماعی و اقتصادی و مغایر اخلاق تجاری می دانند. موافقان که بر صحیح بودن چنین شرطی اصرار دارند آن را از نتایج اصل آزادی قراردادی، در مرحله انعقاد قرارداد می دانند که اشخاص در تعیین محتوا و مفاد قرارداد خود آزاد و به تعهدات قراردادی خود ملتزم باشند. مطابق این اصل، آنچه شخص به موجب قرارداد می پذیرد، عادلانه است. شرط تحدید و یا عدم مسئولیت، دقیقاً منطبق با اراده متعاملین است، که یا نخواستند تعهدی را بپذیرند یا می خواهند آن را محدود کنند. مسئولیت قراردادی به دلیل تخلف از تعهد مندرج در قرارداد است، پس همان ها که تراضی کرده اند، می توانند مسئولیت را از خود سلب یا آن را محدود کنند، اما مشروط بر اینکه مخالف مصلحت عمومی نباشد. (کاتوزیان، ۱۳۸۰، ص ۳۲۵). بنابراین تولیدکننده و مصرف کننده، اگر توافقی نمایند که با قانون مخالف باشد دادرسی می تواند نسبت به بطلان شرط اقدام کند. (کاتوزیان، ۱۳۸۷، ص ۳۲۸)

اصل آزادی قراردادی بر این پایه استوار است که بازار به نتیجه کارآمد می رسد و ضرورتی به دخالت دولت در قراردادها نیست. براین اساس دولت باید به مفاد قراردادهای خصوصی احترام بگذارد و به توافق متعاملین توجه نماید، چراکه مصرف کننده زمانی که به تعهدی رضایت می دهد مبنی براین خواهد بود که عاقلانه و به دور از هرگونه ضرر برای او بوده است. (انصاری، ۱۳۹۰، ص ۲۴۹). در بازاری که تولیدکننده منحصر نباشد، میان تولیدکنندگان رقابت خواهد بود و متعاقدین و متعاملین با فرض انتخاب صحیح و عقلانی و در نظر گرفتن مصلحت، شرط تحدید مسئولیت یا عدم آن را مورد توافق قرار می دهند و عقلانیت متعاملین در انعقاد قرارداد مفروض است و رقابت موجب تولید کالای با کیفیت بیشتر خواهد بود و این مخالف مبانی مسئولیت مدنی که جبران ضرر زیان دیده را هدف می داند، نخواهد بود زیرا در صورتی که قرارداد توأم با شرط تحدید یا عدم مسئولیت اجرا نشود و در صورت عدم تناسب میان تعهدات طرفین، در حدی که تعهدات غیر منصفانه بوده و یا قرارداد کاملاً نسبت به یک طرف، یکطرفه باشد، دادگاه می تواند قرارداد را باطل یا تعدیل کند. (انصاری، ۱۳۹۰، ص ۳۳۶-۳۳۷). و این موارد قابل تعمیم به همه ی قراردادهای با شرط تحدید مسئولیت و یا فقدان آن نیست، چراکه همه ی قراردادهای یک طرفه را نمی توان خلاف نظم عمومی و باطل دانست، اما بنظر می رسد قرارداد یکطرفه و یا تحمیل کننده ی شروط فقدان مسئولیت مدنی و یا تحمیل مسئولیت به یک طرف، قراردادی عادلانه نیست، که زیان تنها بر یک طرف معامله تحمیل گردد، اگر نابرابری اطلاعاتی وجود داشته

و یا یک طرف از قدرت اقتصادی برتر یا انحصار برخوردار باشد، در این موارد به دلیل غیر منصفانه و خلاف وجدان بودن قرارداد، دادرس می‌تواند به بطلان قرارداد یا حذف یا تعدیل شروط غیر منصفانه رأی بدهد. که به نظر این امر مطابق با عدالت است. همین امکان قضایی به حذف یا تعدیل شروط غیر منصفانه در تحمیل مسئولیت مدنی دلیل واضحی بر غیرعادلانه بودن چنین شرطی است لذا شرط تحدید یا عدم مسئولیت مدنی با مبانی فقهی عدم ضمان و یا مسئولیت مدنی در تعارض است.

در مواردی که شرطی خلاف قانون باشد و یا غیر منصفانه و تحمیلی باشد، بطلان شروط عدم مسئولیت یا محدودکننده آن نیز، بر مبنای ناکارآمدی و ناقص بودن قرارداد توجیه می‌شود و نسبت به بطلان یا تعدیل شرط اقدام می‌شود؛ (انصاری، ۱۳۹۰، ص ۳۹۷-۴۰۲) به عنوان مثال، در فعالیت های تجاری که تاجر موظف به ارائه اطلاعات مربوطه مبتنی بر حسن نیت است. خودداری از ارائه اطلاعات لازم عامدانه یا غیر عمد و تعیین شرط تحدید یا عدم مسئولیت در این باب، از صورت های نقض تکلیف به دادن اطلاعات است و حتی سکوت فروشنده راجع به خطری که او آگاه است و با سکوت خود می‌خواهد وانمود کند که آن خطر وجود ندارد، نوعی ارائه اطلاعات غلط است که منتهی به ایجاد مسئولیت برای جبران خسارات وارده می‌گردد. (جنیدی، ۱۳۸۱، ص ۱۴-۱۲). در فقه و حقوق، هم سکوت عمدی نسبت به ایراد پنهانی یا خطری که عادتاً قابل مسامحه نیست، مصداق تدلیس تلقی شده و ایجاد مسئولیت می‌نماید (کاتوزیان، ۱۳۸۷، ص ۲۳۹-۳۳۳). حال اینکه یکی از طرفین قرارداد همانند تولیدکننده را مجاز به تعیین شرطی نمایم که مسئولیت مدنی را از وی سلب و به طرف مقابل تحمیل می‌کند. شرط وجود عدالت و انصاف در تعاملات فی ما بین بعنوان شرط مبنایی در نهاد و درون طرفین قرارداد وجود دارد و نباید با شروطی غیر منصفانه بر مبنای موجود ذهنی طرفین قرارداد خدشه وارد نمود؛ به عنوان مثال اینکه تعهد ضمنی فروشنده کالا به ایمنی کالا، تعهد به نتیجه است که غایت مطلوب است. بنابراین پیوسته تضمین ایمنی کالا، بصورت شرط مبنایی به عهده طرف دیگر قرارداد اعم از تولیدکننده و یا فروشنده قرار دارد و با شرط تحدید و یا عدم مسئولیت نمی‌توان از شروط مبنایی خلاصی یافت.

در شرایط انحصار، تولیدکننده، با سوءاستفاده از اصل آزادی قراردادی، از قراردادها و شرط عدم مسئولیت به شیوه استبدادی استفاده می‌کند، که اصطلاحاً به این قدرت بازاری نظریه بهره برداری می‌گویند که به دور از اخلاق حسنه و نظم عمومی قراردادهاست. (انصاری، ۱۳۹۰، ص ۲۸۶) نباید اجازه داد طرف توانا قدرت خود را بر مصرف کننده تحمیل نماید و به مبانی مسئولیت مدنی و اهداف آن خدشه وارد نماید.

بنظر نگارنده شرط تحدید یا عدم مسئولیت مدنی را باید نامشروع و بی اثر دانست. سازنده کالا نمی‌تواند ضمن قرارداد با خریدار، مسئولیت خود را در قبال اشخاص ثالث نفی کند، زیرا مسئولیت وی در قبال اشخاص ثالث ناشی از ضمان قهری است، نه مسئولیت قراردادی. با توجه به اینکه تولیدکننده از قدرت بیشتری برخوردار است می‌تواند شرط محدود کردن و عدم مسئولیت خود را به تنها مصرف کننده اول تحمیل نماید و این موضوع نیز خلاف نظم عمومی است. عدالت اقتضا می‌کند امنیت برای مصرف کنندگان فراهم باشد. (محسنی، ۱۳۹۸، ص ۲۲۵-۹۷). این تفسیر حافظ

۱ قدرت بازاری: تولیدکنندگان کالا نسبت مصرف کنندگان از قدرت و نفوذ بیشتری برخوردار اند و توانایی بیشتری دارند لذا به راحتی می‌توانند با تحمیل قراردادهای الحاقی و شرط عدم مسئولیت، مصرف کننده را خلع سلاح کرده و خود یکه تاز میدان شوند خصوصاً اگر کالا یا خدمتی در انحصار شخص یا اشخاص معدودی باشد.

هدف و مبنای مسئولیت مدنی است و حتی به نظر می‌رسد نظر قانونگذار نیز معطوف به حفظ و حراست از مبانی مسئولیت مدنی و جلوگیری از فرار هر یک از طرفین قرارداد از جبران ضرر زیان‌دیده به بهانه‌ی توافقات قراردادی و یا تمسک به ماده‌ی ۱۰ قانون مدنی است؛ مثلاً، در ماده ۷ قانون حمایت از حقوق مصرف‌کنندگان خودرو هر نوع توافق مستقیم یا غیر مستقیم بین عرضه‌کننده، واسطه‌فروش، با مصرف‌کننده که به موجب آن تمام یا بخشی از تعهداتی که عرضه‌کننده، بر طبق این قانون و یا ضمانت نامه صادره بر عهده دارد را ساقط نماید یا به عهده واسطه‌فروش یا هر عنوان دیگری گذارده شود، در برابر مصرف‌کننده باطل و بلااثر است. تبصره این ماده برای تاکید بیشتر اعلام کرده است که انعقاد هرگونه قراردادی که حقوق و تکالیف طرفین قرارداد و مشمولین این قانون در آن رعایت نشود، به استناد ماده (۱۰) قانون مدنی و مواد مشابه غیرقانونی و از درجه اعتبار ساقط است.

شرط براءت از عیوب که در ماده ۴۳۶ قانون مدنی تجویز گردیده، خود نوعی شرط تحدید یا عدم مسئولیت است اما تنها در رابطه بین خریدار و فروشنده باعث سقوط خیار می‌شود و مسئولیت جبران خسارت ناشی از کالای تولیدی مخاطره آمیز را از بین نمی‌برد. بنابراین هر گونه توافقی بر اساس این ماده صرفاً خیار را ساقط می‌نماید نه خساراتی که از کالای مزبور حادث می‌گردد. بنابراین وجود شروط تحدید کننده‌ی مسئولیت و یا معافیت از آن با مبانی مسئولیت مدنی و هدف آن منطبق نبوده و نافی مسئولیت وارده‌کننده‌ی زیان نخواهد بود.

## نتیجه گیری:

قانونگذار ایران در قوانین متعدد در تحمیل مسئولیت مدنی بر تولیدکننده ی کالاهای مختلف، نظر به مسئولیت محض تولیدکننده و حمایت از مصرف کننده را داشته است. هر چند که در این باب و حوزه های تجاری مختلف، تفاسیر متعددی ابراز شده است اما نمی توان به گرایش مقنن به مسئولیت محض تشکیک نمود.

در حقوق اسلام، مسئولیت تولیدکنندگان کالا به صورت خاص مورد بررسی واقع نشده و تنها مصادیقی از ارائه خدمات در روایات و متون فقهی آورده شده است، اما با توجه به اینکه در مسئولیت مدنی طیب، که در آن اضرار به دیگری وجود دارد، تقصیر به عنوان رکنی از ارکان مسئولیت مدنی محسوب نشده است و تنها رابطه سببیت موثر تلقی شده، پس می توان مبنای مسئولیت تولیدکنندگان کالا را بدون تقصیر نیز پذیرفت و با تولید کالای مخاطره آمیز و وجود رابطه سببیت بین ایراد موجود در یک کالای تولیدی و خسارت وارده، مسئولیت تولیدکننده را احراز نمود. از این رو مسئولیت محض تولیدکنندگان کالا با قواعد ضمان قهری در حقوق اسلام مطابقت بیشتری دارد، می توان در باب کالاهای مهم و اساسی، استفاده از گارانتی و ضمانت را در قوانین مرتبط الزامی دانست، تا براساس مسئولیت محض تولیدکنندگان کالا و ارائه کنندگان خدمات، هراستفاده کننده ای از ضمانت منتفع شود.

در بسیاری از کشورهای مختلف، بیمه الزامی است. در ایران الزام رانندگان به داشتن بیمه شخص ثالث از آن نمونه است. می توان با اجباری نمودن بیمه مسئولیت تولیدکنندگان کالا و ارائه کنندگان خدمت در حقوق ایران گامی مهم در جهت حمایت از زیان دیدگان برداشت. باید با تقویت و وضع قوانین مناسب بتوانیم از مصرف کننده در برابر تولیدکنندگان با توجه به خطرات قابل توجه حمایت نماییم.

وظیفه ی قانون حمایت از حقوق زیان دیده متضرر است. قانون فعلی از این حیث که به ضرورت و مسئولیت قطعی و بی چون و چرای تولیدکنندگان و عرضه کنندگان کالا به جبران خسارت وارده به مصرف کننده، تصریح مطلق نگردیده ، عمدتاً موجب استفاده محاکم و قضات دادگستری از نظریه تقصیر و تحمیل بار اثبات تقصیر بر زیان دیده شده است. به نظر نگارنده باید در باب مسئولیت مدنی تجار مخصوصاً تولیدکنندگان با تغییر رویکرد از قوانین خاص هر حوزه تولیدی و تجاری، مبنا را بر مسئولیت محض قرار داد و قانونی خاص تصویب و در آن تولیدکنندگان در قبال زیانهای ناشی از فعالیت خود در برابر طرف دیگر و اشخاص ثالث، مسئولیت محض داشته باشد و در صورت تولید مشترک محصول توسط چند تولیدکننده، مسئولیت آنان تضامنی باشد و تولیدکنندگان در استفاده از بیمه مکلف بوده و تمامی تولیدکنندگان یک کالا، متضامناً مسئول باشند و شرطی که بنحو صریح یا ضمنی در قرارداد فی مابین تولیدکننده و مصرف کننده موجب تحدید یا معافیت از مسئولیت باشد، بلااثر تلقی گردد.

بیان میزان خطر و بهره گیری از هشدارهای کالاهای تولیدی در هنگام فروش ابراز شود. تولیدکنندگان موظف باشند علاوه بر رعایت استاندارد های الزامی و ارائه محصول سالم، کلیه اطلاعات لازم درباره ی نحوه ی استعمال صحیح محصول و خطرات احتمالی و عیوب پنهان و آشکار آن در اختیار اشخاص قرار دهند و استفاده از کالای تولیدی خطرناک تنها با وضع مقررات ویژه ممکن باشد و تمامی اطلاعات مربوط به نتیجه ی فعالیت تولیدی بطور شفاف به اطلاع مقامات ذیصلاح و عموم قرار داده شود تا امکان جدا نمودن کالاهای غیر ایمن و پاکسازی بازار وجود داشته باشد. و

تولیدکنندگان موظف به تولید کالای ایمن باشند. تکیه بر مسئولیت محض به عنوان مبنایی قابل اتکاء و تصویب چنین قانونی می‌تواند علاوه بر جبران سریع خسارت زیان‌دیده موجب رونق تولید، بالارفتن کیفیت کالاهای تولیدی و تحول در مسئولیت مدنی تجار، مخصوصاً در حوزه تولید گردد. با دقت در متن قوانین موجود نیز همانگونه که در مقاله بدان تصریح شد، گرایش قانونگذار بر مبنای مسئولیت محض در تحمیل مسئولیت مدنی بر تولیدکنندگان می‌باشد.

## منابع و مأخذ:

- الهی شعبان و حیدری بهمن، مدیریت ارتباط با مشتری، موسسه مطالعات و پژوهشهای بازرگانی، تهران، شرکت چاپ و نشر بازرگانی، ۱۳۸۴
- الجبعی العالمی، (زین الدین بن علی) ثانی . مسالک الافهام فی شرح الاسلام مکتب بصری، قم، ایران ، بی تا ، جلد یک
- الموسوی الخمینی، امام خمینی، روح اله ، کتاب البیع، موسسه اسماعیلیان، قم، ۱۴۳۴ هـ ق
- انصاری، مهدی، تحلیل اقتصادی قانون قرارداد، انتشارات جاویدانه تهران ۱۳۹۰، چاپ اول
- انصاری، سید مرتضی، مکاسب، قم، موسسه نشر اسلامی ؛ ۱۴۱۶
- ایرانلو، محسن ؛ شروط محدودکننده و ساقط کننده در قراردادها، شرکت سهامی انتشار، چاپ اول
- بجنوردی ، حسن، القواعد الفقهيہ، چاپ اول، انتشارات الهادی، ۱۴۱۹
- بجنوردی(موسوی) ، محمد، قواعد الفقهيہ، چاپ سوم، انتشارات موسسه عروج، ۱۴۰۱
- باقر زاده، احد، بازار دولت حقوق مصرف کننده، موسسه توسعه علم، قم، ۱۳۸۱
- جنیدی، لعیا ، تحلیل بر حقوق مصرف کنندگان و ضرورت طرح و تصویب لایحه حمایت از حقوق مصرف کنندگان در ایران برگرفته از سلسله تحولات پنجمین همایش حمایت از حقوق مصرف کنندگان سازمان حمایت از حقوق تولیدکنندگان و مصرف کنندگان، ۱۳۸۴
- جعفری تبار، حسن، مسئولیت مدنی سازندگان و فروشندگان کالا، انتشارات دادگستری، تهران ، جلد ۱، ۱۳۷۵
- جنیدی، لعیا، بررسی مقایسه ای از تعهد به ارائه اطلاعات با تاکید بر سیستم های قانونی، دانشکده حقوق، ۱۳۸۱
- حلی، علامه ، شرائع الاسلام ، انتشارات اسماعیلیان، قم، ۱۴۰۸ هـ ق
- حر عاملی محمد بن الحسن، وسایل الشیعه، موسسه آل البيت، قم، ۱۴۰۹ هـ ق
- حسینی مراغی، میر عبدالفتاح، العناوین الفقهيہ، موسسه نشر اسلامی، قم ۱۴۱۷ هـ
- خمینی، سید مصطفی ، کتاب الخیارات، تهران، موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، تهران، ۱۳۷۵
- راوندی، قطب الدین، فقه القرآن، قم، مکتب آیت الله مرعشی نجفی، ۱۴۰۵ هـ ق
- سبزواری، سید عبدالاعلی ، قم ، ۱۳۸۳
- شهید اول ، الکلمه الذشتیہ فی فقه الامامیہ، بیروت موسسه فقه شیعه، ۱۴۱۰ هـ ق
- شهید ثانی، زین الدین، بن علی العاملی، مسالک الافهام الی تنقیح شرائع الاسلام، قم، موسسه معارف الاسلامی، ۱۴۱۸ هـ ق
- شیخ طوسی، محمد بن حسن، الخلاف، ، نشر اسلامی، قم، ۱۴۰۷ هـ ق
- عاملی شهید اول محمد، اللمعه الذشتیہ، دارالفکر قم، ۱۴۱۱ هـ ق
- فضه سلیمی، محمدباقر پارسا پور، مقاله مبانی مسئولیت مدنی عرضه کننده در تعالی مصرف کننده، مطالعه تطبیقی در قانون حمایت از حقوق مصرف کنندگان و حقوق اتحادیه اروپایی ۱۳۹۱

- صادقی، محسن، منتقعی، فروغ، نقش سازمانهای غیر دولتی SOGN در حمایت از حقوق مصرف کننده، مجله نامه مفید، نامه حقوقی ۱۳۸۶، جلد ۳ شماره ۶۱ شهریور.
- صفایی سید حسین و رحیمی حبیب الله. مسئولیت مدنی، الزامات خارج از قرارداد، سمت، تهران ۱۳۹۳ شمسی
- صدوق، ابوجعفر محمدبن علی بابویه، من لایحضره الفقیه، دارالکتب الاسلامیه، تهران، ۱۳۹۰
- طاهری، حبیب الله، حقوق مدنی، چاپ دوم، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه، ۱۴۱۸.ه.ق
- طباطبایی یزدی، سید محمد کاظم، حاشیه المکاسب، قم، موسسه اسماعیلیان، ۱۳۷۸
- طباطبایی، سید علی، ریاض المسائل فی بیان الاحکام بالدلائل، قم، موسسه آل البيت، ۱۴۰۴ ه.ق
- قاسمی حامد، عباس، معرفی حقوق مصرف، مجله حقوقی دفتر خدمات بین المللی نهاد ریاست جمهوری، سال ۱۳۷۷، شماره ۲۳
- کاتوزیان، ناصر، نظریه کلی قراردادها، جلد ۵، چاپ دوم، تهران، ۱۳۷۶
- کاتوزیان ناصر، الزامات خارج از قرارداد مسئولیت مدنی، جلد ۱، انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۷۸
- کاتوزیان، ناصر، قواعد عمومی قراردادها، جلد ۱، شرکت سهامی انتشار تهران، ۱۳۸۰
- کاتوزیان، ناصر، قواعد عمومی قراردادها، جلد ۵، شرکت سهامی انتشار تهران، ۱۳۸۷
- کاتوزیان، ناصر، محدودیت های آزادی قراردادها بر اساس حمایت از مصرف کنندگان، فصلنامه دانشکده حقوق، شماره ۳، ۱۳۸۷
- کاتوزیان، ناصر، شرط عدم مسئولیت و شرط محدود کننده مسئولیت، الزام های خارج از قرارداد؛ جلد اول، ۱۳۸۷
- کاتوزیان، ناصر، تحول مفهوم تقصیر در حقوق مسئولیت مدنی، فصلنامه حقوق، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دوره ۳۹، شماره ۱، ۱۳۸۸
- کلینی، محمد بن یعقوب، اصول کافی، تهران، مکتب الصدوق، ۱۳۸۱
- کریمی، عباس، شرایط مندرج در نظریه کلی قراردادها، انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۸۱
- محقق کرکی، علی بن حسین بن عبدالمعالی، جامع المقاصه، موسسه آل البيت لاحیاء التراث، قم، ۱۴۰۸ ه.ق
- محقق حلی، جعفر بن الحسن، شرایع السلام، نجف مطبوعه الاداب، ۱۳۸۹
- محسنی، فرید، انصاری، رضا، تأثیر متقابل مسئولیت کیفری و مسئولیت مدنی، مجله تحقیقات حقوقی، شماره ۸۶، تابستان ۱۳۹۸
- مقدس اردبیلی احمد، مجمع لقائده و البرهان فی شرح ارشاد الازدهان، موسسه نشر اسلامی، قم، ۱۴۱۴ ه.ق
- میرزای قمی، میرزا ابوالقاسم بن الحسن، جامع الشتات، تهران، انتشارات کیهان، ۱۳۷۱